

لیپورلو نگهبانی میکند، در حالی که دون جووانی Don Giovanni در حال از راه بدر بردن و فریفتن دونانا Donna Anna است. پدر آن، فرمانده نگهبانان قصر، آندو را غافلگیر میکند. آنانا Anna فرار میکند، پدرش در جنگ تن به تن کشته میشود. هنگامی که دونانا همراه نامزدش دون اوتاوویو Don Ottavio بر میگردد، جسد را پیدا میکنند و قسم یاد میکنند انتقام بگیرند.

دون الویرا Don Elvira، معشوقه سابق دون جووانی که به او قول ازدواج داده بود، به دنبال فریبدهنده می‌رود. دون جووانی به لیپورلو واگذار میکند که الویرا در مورد واقعیت شخص او در جریان قرار دهد.

در یک جشن عروسی، عروس خانم زرلینا Zelina مورد توجه دون جووانی قرار می‌گیرد. او مهمانان جشن عروسی را به منزل خود دعوت میکند، بانجا رفته و ادامه جشن دهند و داماد ماسیتو Masetto را مجبور میکند، با مهمانان از پیش بروند، تا او خودش بتواند با زرلینا تنها بماند. الویرا محفل آن دو را قطع میکند، به زرلینا اخطار داده و او را با خود میبرد.

دونانا و دون اوتاوویو از دون جووانی خواهش میکنند به آن‌ها در جستجوی قاتل فرمانده نگهبانان قصر کمک کند. الویرا به آن‌ها می‌پیوندد و دون جووانی را متهم به بی‌رحمی میکند. دون جووانی سعی میکند او را دیوانه قلمداد نماید. وقتی که الویرا آرام نمی‌گیرد، دون جووانی او را باخود بکنار میکشد. دونانا نزد دون اوتاوویا اظهار میدارد که دون جووانی را که دزدکی یا محرمانه وارد اطاقش شده تا او را فریب دهد، بعنوان قاتلی که در جستجویش هستند شناسایی کرده است.

لیپورلو در مورد چگونگی جشن عروسی گزارش میدهد. دون جووانی پیشاپیش از فتوحاتی که در فکر انجام دادن آنست، بی‌نهایت خوشحال است.

در مجلس جشن دون جووانی بار دیگر زرلینا را در تنگنا قرار داده، در حالی که لیپورلو ماسیتوی مست را سرگرم میکند. وقتی که زرلینا کمک فریاد میکشد، دون جووانی لیپورلو را متهم دست درازی به زرلینا مینماید. دونانا الویرا، دونانا و دون اوتاوویو که نقاب بصورت خود داشتند و وارد جشن شده بودند، نقاب را برداشته و اظهار میدارند که به دورویی و دو جانبه بازی کردن دون جووانی پی برده‌اند و او را جریمه خواهند کرد.

لیپورلو میخواهد استیفا دهد، ولی با پرداخت وجه فوق العاده وادار میگردد که بماند. دون جووانی آخر الامر برای این که در این شب زنی بدست آورد، لیپورلو را مجبور میکند با هم لباسهایشان را

عوض کنند. زیر پنجره دونا الویرا ایستاده و اقرار به عشق تغییر نایافته اش نسبت به او میکند. دونا الویرا عشق او را باور میکند و خود را به آغوش دون جوانی که لباس لیپورلو به تن دارد پرت میکند.

دون جوانی از ماسِتو و یارانش که میخواهند او را شکنجه دهند شگفت زده میگردد. دون جوانی موفق میگردد خود را بجای لیپورلو معرفی و یاران ماسِتو را براه انحرافی بفرستد. با ماسِتو تنها مانده و با اودست به یقه شده، او را بخاطر انتقام از هوس قتلش مورد ضربه قرارش میدهد. زرلینا ماسِتو کتک خورده را پیدا میکند و او را مورد نوازش قرار میدهد.

دونآنا، دونا الویرا، زرلینا، دونا اوتاویو و ماسِتو دنبال دون جوانی که لباس لیپورلو را به تن داشت گشته او را پیدا میکنند. دونا الویرا که خیال میکرد دون جوانی را در آغوش دارد، متوجه تحقیر شدن مجدد خود میگردد.

دون اوتاویو مصمم و میخواهد خودش یقه دون جوانی را بگیرد و از بقیه خواهش میکند که بروند و تا بعد مواظب دونآنا باشند.

دون الویرا اقرار میکند که هنوز دون جوانی را دوست دارد.

دون جوانی و لیپورلو همدیگر را ملاقات میکنند و برای همدیگر در مورد آنچه که دیده اند گزارش میدهند. فرمانده نگهبانان قصر وارد می شود. لیپورلو وحشت زده است. دون جوانی فرمانده را به شام دعوت میکند.

دون اوتاویو دونآنا را وادار میکند، بالاخره با او دست به یکی شود، ولی دونآنا هنوز آماده نیست.

دون جوانی در حال صرف شام است. دونا الویرا به او التماس میکند که تغییری در زندگی خود بدهد. فرمانده نگهبانان قصر وارد می شود. او به جوانی اخطار میدهد، در مورد راه زندگیش اظهارندامت کرده و طلب بخشش نماید. دون جوانی این پیشنهاد را رد میکند. با وجود آن دعوت متقابل فرمانده را می پذیرد. از طرف فرمانده در تنگنا قرار گرفته و خودکشی میکند.

دونآنا، دونا الویرا، زرلینا، دونا اوتاویو و ماسِتو از لیپورلو گزارشی در باره چگونگی رفتار دون جوانی دریافت میدارند.

دونآنا از دونا اوتاویو خواهش میکند، جشن عروسیش را یک سال به تعویق بیندازد؛ دونا الویرا تنهایی صومعه را انتخاب میکند، زرلینا و ماسِتو تصمیم میگیرند بخانه رفته و آشپزی کنند و لیپورلو اجباراً برای خود ارباب یا کارفرمای دیگری جستجو میکند.